

پرونده شماره ۳۰

شعبه سوم

حکم شماره ۳ - ۳۰ - ۱۸

گرانیت استیت ماشین کامپنی، اینکورپوریتد،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

بانک مرکزی ایران، و

بانک صادرات ایران،

خوانندگان.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعاوى ايران - ايالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	۱۳۶۱ / ۹ / ۲۴ 15 DEC. 1982
No.	۳۰

حکم نهائیحاضران :

از جانب خواهان : آقای برتون وی. مک کالو

زوبریست اند وینا

وکیل

از جانب خوانندگان: آقای محمدکریم اشراق، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای خسروطیسی، مشاور نماینده رابط

خانم شیرین ارشادی، بانک مرکزی

آقای محمود سلجوقی، بانک صادرات

قسمت اول - ادعا

گرانیت استیت ماشین کامپنی، اینکورپوریتد، ("خواهان" یا "گرانیت استیت") در تاریخ ۱۰ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۹ آبانماه ۱۳۶۰) ادعائی را در دیوان دآوری بیه ثبت رسانده و ضمن آن درخواست نموده است که حکمی به مبلغ ۳۶۹،۴۹۳/۶۶ دلار باخافه بهره و هزینه های متحمل، علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران")، بانک مرکزی ایران ("بانک مرکزی") و بانک صادرات ایران ("بانک صادرات")، به دلیل عدم پرداخت وجوه بروات ارزی عهده شرکت صنعتی تکنوایز ("تکنوایز") که یک شرکت ایرانی است، صادر گردد.

دیوان دآوری، طی یک حکم جزئی (حکم شماره ۳ - ۳۰ - ۹) خواهان را به مبلغ ۳۶۸،۹۶۹/۸۶ دلار به عنوان کل مبلغ برات طلبکار دانسته، و در عین حال صلاحیت خود نسبت به رسیدگی به مسئله بهره و هزینه ها را محفوظ داشته است.

قسمت دوم - شرح ما وقع

شرح ما وقع مربوط به این دعوا در حکم جزئی فوق الذکر، به شرح زیر درج گردیده است.

در تاریخ ۲ مه ۱۹۷۸ (۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۷)، شرکت تکنو - ایزکه طبق قوانین ایران تاسیس یافته، چهار سفارش جداگانه جهت خرید کالا از گرانیت استیت، جمعاً "به مبلغ -/۳۶۲،۲۶۰ دلار به شرکت نامبرده داد. کالاها در اواخر سال ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹، طی چهار محموله متساوی، همراه بانسخ اسناد مالکیت به تکنوایز حمل گردید. طبق عرف تجاری، قرار شد که اصل اسناد مالکیت کالاها همراه بروات یا حواله های ارزی عهده تکنوایز توسط بانک آمریکا - شعبه نیویورک، از جانب گرانیت استیت، به بانک صادرات فرستاده شود. موعده پرداخت بروات ۹۰ روز از تاریخ صدور بود که بهره ای به نرخ ۸/۵% جهت ۹۰ روز یادشده نیز به آنها تعلق می گرفت. سپس اصل اسناد می با است در قبال پرداخت وجه آنها به بانک صادرات تحویل و تکنوایز به نوبه خود می با است اصل اسناد را جهت ترخیص کالا به حمل کننده آن تسلیم می نمود. نحوه وصول مطابق با آئین نامه وصول اوراق تجاری مصوبات اتاق بازرگانی بین المللی مقرر شده بود. مبلغ بروات و تاریخ صدور و موعده پرداخت آنها به شرح زیر بوده است:

شماره برات	تاریخ برات	مبلغ برات	سررسید
۱	۳۰ اوت ۱۹۷۸	۹۰،۵۶۵/- دلار	۱۰ نوامبر ۱۹۷۸
۲ *	۳۰ اوت ۱۹۷۸	۱،۵۳۹/۳۶ دلار	۱۰ نوامبر ۱۹۷۸
۳	۲۹ سپتامبر ۱۹۷۸	۹۰،۵۶۵/- دلار	۲۹ دسامبر ۱۹۷۸
۴ *	۲۹ سپتامبر ۱۹۷۸	۱،۸۹۸/۱۰ دلار	۲۹ دسامبر ۱۹۷۸
۵	۱۹ ژانویه ۱۹۷۹	۹۰،۵۶۵/- دلار	۱۹ آوریل ۱۹۷۹
۶ *	۱۹ ژانویه ۱۹۷۹	۱،۸۹۸/۱۰ دلار	۱۹ آوریل ۱۹۷۹
۷	۱۰ آوریل ۱۹۷۹	۹۰،۵۶۵/- دلار	۱۰ ژانویه ۱۹۷۹
۸ *	۱۰ آوریل ۱۹۷۹	۱،۳۷۴/۳۰ دلار	۱۰ ژانویه ۱۹۷۹

دلار ۳۶۸،۹۶۹/۸۶/-

تا تاریخ ۳ مارس ۱۹۷۹ (۱۳ اسفندماه ۱۳۵۷)، بانک صادرات اسناد مالکیت ارسال شده بانک آو آمریکا در مورد اولین محموله ۳۰ اوت ۱۹۷۸ را دریافت نکرده بود. در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۷۹ (۲۹ اسفندماه ۱۳۵۷)، بانک صادرات از بانک آو آمریکا کسب تکلیف نمود و در ۲۱ مارس ۱۹۷۹ (۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) پاسخی دریافت کرد مبنی بر اینکه رونوشت مصدق بارنامه زگرانیت استیت دریافت خواهد شد. بنا به اظهار بانک صادرات نه اصل و نه رونوشت مصدق بارنامه هرگز توسط بانک صادرات دریافت نشد. با وجود این، در ۲۵ آوریل ۱۹۷۹ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)، بانک صادرات نسخه بارنامه تکنوا ییز را در ازاء دریافت هشت فقره سند از تکنوا ییز، به مبلغ کل ۱۲۱،۲۷۶/۴۱ دلار ظهرنویسی نمود. بانک صادرات اظهار می دارد که اینکار را از نظر تسهیل تحویل کالاها به تکنوا ییز و همینطور کمک به فروشنده انجام داده است. به این طریق تکنوا ییز کالاها را تحویل گرفت. معذک، بانک صادرات اظهار می دارد که تکنوا ییز هرگز وجه سفته ها را به بانک پرداخت نکرده است.

در مورد محموله های دوم و سوم، بانک صادرات اصل اسناد مالکیت را در تاریخ ۸ مه ۱۹۷۹ (۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) دریافت کرد. اسناد محموله چهارم مدتی قبل از تاریخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۹ تیرماه ۱۳۵۸)، دریافت شد. مع هذا، فقط در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۰ (۱۶ اسفندماه ۱۳۵۸) بود که تکنوا ییز به بانک صادرات اجازه و دستور داد که حساب تکنوا ییز نزد بانک صادرات را موقتاً " معادل مبلغ بروات شماره ۳ تا ۸ بدهکار نماید مشروط بر اینکه

* بروات شماره ۲، ۴، ۶ و ۸ بابت مبلغ بهره قیمت خرید کا لاطی مدت ۹۰ روز مقرر شده است.

اصل گواهی نامه های مبداء^۱ محموله ها، ما دره توسط گرانیت استیت توسط بانک دریا فتگردد .
بعلاوه در ۲۵ فوریه ۱۹۸۰ (۶ اسفندماه ۱۳۵۸) ، تکنو- ایزه وسیله تلکس به گرانیت استیت
اطلاع داد که بانک طرف معامله وی نمیتواند وجوه را به دلار پرداخت نماید . تکنو- ایزه طی
تلکس سؤال کرد که گرانیت استیت مایل است که پرداخت با چه ارز دیگری صورت گیرد .
گرانیت استیت طی تلکس مورخ ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۱ اسفندماه ۱۳۵۸) خود به تکنو- ایزه ،
موافقت کرد که پرداخت مربوط به مارک آلمان صورت پذیرد و در همان حال ، گرانیت استیت
اسناد گواهی مبداء^۱ مورد درخواست را ارسال نمود . در ۸ آوریل ۱۹۸۰ (۱۹ فروردینماه
۱۳۵۹) تکنو- ایزه اسناد مذکور را دریافت و در همان تاریخ درخواست نمود که بانک صادرات
اجازه بانک مرکزی را در مورد انتقال وجه بروات گرانیت استیت به مارک آلمان ، کسب
نماید . علی رغم درخواست مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۰ به بانک صادرات ، اجازه انتقال داده
نشد .

در تاریخ ۴ اوت ۱۹۸۱ (۱۳ مردادماه ۱۳۶۰) ، بنا به درخواست بانک مرکزی ، بانک صادرات
معادل ریالی مبلغ ۲۷۶،۸۶۵/۵۰ دلار ، معادل پرداخت تکنو- ایزه با بت محموله های دوم ، سوم
و چهارم به بانک مرکزی ایران انتقال داد . بنا به اظهار بانک مرکزی ، این وجوه از آن
زمان تا بحال در حسابی نزد بانک مرکزی نگهداری می شود .

قسمت سوم - استدلال طرفین

گرانیت استیت ، طی دادخواست خود ، بهره ای به نرخ سالانه ۱۴ درصد از تاریخ سررسید هر
برات تا هنگام پرداخت کامل آن مطالبه کرده است . گرانیت استیت ، سپس طی اصلاحیه ای
خواستار بهره به نرخ ۱۶ درصد در سال گردید .

خوانندگان منکر این هستند که اصلاً " دینی در مورد بهره دارند . بانک صادرات برای این نظر است
که با تحویل اسناد حمل اولین محموله در قبال اخذ هشت سفته از تکنو- ایزه ، با حسن نیت و بر طبق
عرف صحیح بانکداری عمل کرده است . علاوه بر این بانک صادرات مدعی است که هیچ تأخیری
در پرداخته قابل انتساب به وی نبوده و ، بلکه ناشی از حوادثی خارج از حیطه اختیار بانک
بوده است . بانک یاد شده با قبول اینکه به هر حال بانک به نحوی دارای مسئولیت است ،
اظهار می دارد که خسارات فقط از تاریخ تسلیم دادخواست می تواند محاسبه شود .

بانک مرکزی استدلال می کند که چون عدم پرداخت وجه بروات مربوط به سه محموله آخر ناشی از

دستورات انسداد و جوه توسط ایالات متحده بوده، مسئولیتی بابت بهره متوجه بانک مزبور نمی‌شود. گرانبیت استیت مدعی است که بانک صادرات می‌توانسته از طریق بانک مرکزی، همانطور که تکنو-ایزیشنها دکرده بود، به مارک آلمان، یا به دلار، از حسابهای غیرمسدود خود پرداخت نماید، لکن اینکار را نکرده است. معهدا، بانک مرکزی اظهار می‌دارد که چون قسمت اعظم ذخایر ارزی وی در خارج از ایران واقع و جهت مصارف فوری ترو ضروری‌تر داخلی مورد نیاز بود، پرداخت از محل این قبیل ذخایر ارزی عملاً میسر نبود.

گرانبیت استیت همچنین بابت هزینه‌های متحمله در رابطه با این ادعا، مطالبه خسارت می‌کند.

بخش چهارم - دلایل صدور حکم

مسئولیت خسارات یا بهره

خواهان از تاریخ سررسید بروات شماره ۱ تا ۸ تا تاریخ ترخیص یا ظهرنویسی اسناد، از ایران مطالبه بهره می‌کند.

ضرورتی ندارد که دیوان داوری موضوع مسئولیت ایران به موجب کنترل وی، بر حسب ادعا بر تکنو-ایزرا، مطرح نماید، چه به هر حال روشن است که تکنو-ایزرا هنگام قبولی بروات متعهد آنهان بوده است. مدارک مربوط به محموله اول تا قبل از سررسید بروات، یعنی ۱۵ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۹ آبانماه ۱۳۵۷) واصل نشد، گرانبیت استیت ظاهراً "هیچ اقدامی جهت تحقیق در باره تأخیر به عمل نیاورده، و به جای آن منتظر ماند تا اینکه در مارس ۱۹۷۹ (اسفندماه ۱۳۵۷ - فروردینماه ۱۳۵۸) درخواستی از جانب بانک صادرات جهت ارسال اسناد جدید دریافت نمود در این اثناء، گرانبیت استیت سه محموله دیگر از کالاهای تکنو-ایزرا ارسال کرد. اسناد مربوط به محموله‌های دوم و سوم، صرفاً "بعد از تاریخ سررسید بروات مربوط به دست بانک رسید. در مورد محموله چهارم، اسناد پیش از تاریخ سررسید دریافت گردید. اگرچه بانک صادرات وصول کالاهای اسناد حمل سه محموله اخیر را به تکنو-ایزرا اطلاع داده بود، با اینحال شرکت اخیر الذکرتا تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۰ (۶ اسفندماه ۱۳۵۸) پرداختی بابت کالاهای بانک انجام نداد، تازه در این تاریخ هم پرداخت را بصورت "مشروط" قبول و آنرا موکول به دریافت گواهی مبداء کالاهای نمود. گرانبیت استیت سپس المثنی گواهی نامه‌های مبداء را ارسال کرد.

این شیوه عمل گرانیت استیت ، مؤید این نظراست که گرانیت استیت با اتکا بر توانائی تکنوا یز به تحصیل وجوه جهت پرداخت وجه بروات ، ریسک هرگونه تأخیر احتمالی ناشی از تحویل دیرتر از موعد کالاهای به ایران ، یا پرداخت دیرتر از موعد بروات توسط تکنو- ایگز ، را تقبل کرده بود . علیهذا ، پرداخت هیچ گونه خسارت تأخیر تأدیه به گرانیت استیت از تاریخ سر رسید بروات تا تاریخ ظهر نویسی اسناد توسط بانک صادرات بر عهده خوانندگان نیست .

بعلاوه ، در رابطه با محموله اول ، گرانیت استیت از تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۹ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) یعنی تاریخ ظهر نویسی نسخ اسناد حمل در برابر دریافت سفته ها ، تا این تاریخ از بانک صادرات مطالبه بهره نموده است . در مورد محموله های دوم ، سوم و چهارم ، گرانیت استیت از تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۰ (۶ اسفند ماه ۱۳۵۸) یعنی تاریخ ترخیص اسناد در قبال پرداخت تا ۴ اوت ۱۹۸۱ (۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۰) ، یعنی تاریخ انتقال این وجوه به بانک مرکزی از بانک صادرات مطالبه بهره کرده است . خواهان ضمن طرح فرضیات گوناگون در توجیه ادعای خود بابت بهره ، اساساً " خواستار جبران خسارت بابت عدم امکان استفاده از وجه طلب خود در تاریخ سر رسید وجه می باشد .

در خصوص محموله اول ، دیوان داوری بانک صادرات را در قبال مطالب مورد دین دویرات اول به علت اقرار بر مسئولیت ، متعهد می شناسد . دیوان داوری بر این نظراست که بانک صادرات به همان نحو ملزم به جبران خسارات گرانیت استیت بابت عدم پرداخت بموقع وجوه این بروات ، می باشد .

در مورد محموله های دوم ، سوم و چهارم ، وجه بروات از تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۰ (۶ اسفند ماه ۱۳۵۸) تا ۴ اوت ۱۹۸۱ (۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۰) توسط بانک صادرات ضبط شده بود . مع هذا ، ایسـن مطالب طی مدت نسبتاً " کوتاهی پس از ۲۵ فوریه ۱۹۸۰ (۶ اسفند ماه ۱۳۵۸) در دسترس بانک نبوده و بانک نه می توانسته آنها را به مصرف خود برساند و نه به گرانیت استیت منتقل سازد ، چه این وجوه در یک " حساب موقتی " نگهداری می شد تا گواهی مبداء کالاهای دریافت شود . گواهی نامه های فوق در تاریخ ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفند ماه ۱۳۵۸) توسط گرانیت استیت به ایران فرستاده شد . این فرض منطقی است که در بحبوحه بحران روابط فیما بین دو کشور گواهی نامه های فوق با حدود یک ماه تاخیر به تکنو - ایگز رسید - باشد . از اینرو ، تکنوا یز ضمن نامه ای به تاریخ ۸ آوریل ۱۹۸۰ (۱۹ فروردین ماه ۱۳۵۹) بعنوان بانک ، صادرات درخواست کرد که " در صورت کسب اجازه بانک مرکزی " ، بانک صادرات وجه بروات گرانیت استیت را به

مارک آلمان بپردازد. همراه نامه مذکور تکنو-ایزنسخه‌ای از مراسله مورخ ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۸) گرانیت استیت در خصوص گواهی نامه‌های مبدا^۶ را ضمیمه کرده با احتساب سه روز برای پست داخلی ایران، بانک صادرات می‌دانسته است که موعده بروات سررسیده و حداکثر تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (۲۲ فروردینماه ۱۳۵۹) می‌بایستی پرداخت شود. بانک صادرات در دفاع از قصور خود در پرداخت وجوه گرانیت استیت پس از آن تاریخ، اظهار می‌دارد که بانک مرکزی هیچوقت به‌وی اجازت لازم برای انتقال (وجه بروات)، را خواه به دلار آمریکا، و خواه به مارک آلمان و یا هر ارز خارجی دیگری، را نداده است. دیوان داری این اظهار خواننده را می‌پذیرد که هیچ گونه توافقی بین گرانیت استیت و تکنو-ایزن جهت پرداخت وجوه به ارزی سواى دلار آمریکا نمی‌توانسته الزام آور باشد، چه اختیارات تنظیم ارز خارجی با بانک مرکزی است. معذالک، بانک صادرات اسناد در ادرا در قبضه پرداخت وجه آن‌ها به ریال، با اینکه بروات به دلار آمریکا قابل پرداخت بود، ترخیص کرد. بانک صادرات نمی‌بایستی بدون موافقت قبلی بانک مرکزی جهت پرداخت معادل دلاری وجوه ریالی فوق اجازت قبضه کالاها را به تکنو-ایز داده باشد. در این رابطه، دیوان داری به مواد ۴ و ۶ "آئین نامه وصول اوراق تجاری" مصوبات ق بازرگانی بین المللی (متن اصلاحی سال ۱۹۶۷)^{*} استناد می‌نماید. بانک صادرات، با توجه به مسدود شدن حسابهای خود در ایالات متحده به قطع و یقین میدانسته که چنین اجازت‌های داده نخواهد شد. شیوه عمل صحیح در مورد بانک صادرات این بوده که اطلاعیه عدم پرداخت "به بانک آمریکا"، یعنی بانک پرداخت کننده ارسال و منتظر دریافت دستور در مورد پذیرش پرداخت به ریال، و یا استرداد احتمالی کالاها شود (رجوع شود به ماده ۱۲ "آئین نامه وصول اوراق تجاری"). بنا بر این مسئولیت بانک صادرات در مورد تاخیر، از روز دریافت اطلاعیه تکنو-ایز مبنی بر واجب الادا بودن وجوه، به گرانیت استیت، شروع می‌شود. یعنی تاریخی که، به تشخیص دیوان از ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (۲۳ فروردینماه ۱۳۵۹) شروع و لغایت ۴ اوت ۱۹۸۱ (۱۳ مردادماه ۱۳۶۰) یعنی تاریخ انتقال وجوه به بانک مرکزی ادامه می‌یابد. در هنگام دریافت وجوه محموله‌های دوم، سوم و چهارم توسط بانک مرکزی دستورات انسداد وجوه، دیگر ملغی‌الثر شده بود. بانک مرکزی می‌توانست در آن موقع فوراً "اجازت انتقال وجوه مزبور را به ارز خارجی بدهد. علی‌رغم هرگونه پی‌آمدهای احتمالی ولیسه‌ناشی از دستورات

* این آئین نامه‌ها نشین "آئین نامه اوراق و ضولی" (متن اصلاحی سال ۱۹۷۹) شده است که مواد ۱۰ و ۱۲ آن شامل این قاعده است.

انستاد، بانک مرکزی هیچ دلیل موجهی برای عدم انجام اینکار در اوت ۱۹۸۱ (مرداد - شهریور ۱۳۶۰) نداشته است. بنابراین بانک مرکزی از تاریخ ۵ اوت ۱۹۸۱ (۱۴ مرداد ماه ۱۳۶۰) مسئول تاخیر در پرداخت است.

در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۸۲ (۸ آبان ماه ۱۳۶۱) مبلغ مدعا به مذکور در حکم جزیی از محمل حساب تا مینی به گرانیت استیت پرداخت شد و بنابراین تاریخ مذکور، تاریخ ختم محاسبه بهره می باشد.

نرخ بهره

بر اساس دلایل و مستندات ارائه شده، دیوان داوری معتقد است که خسارات وارده بر خواهان به علت تاخیر در پرداخت را می توان به عنوان بهره بدهی ها به نرخ عادلانه ۱۲ درصد در سال محاسبه کرد. بهره با اید از تاریخ شروع مسئولیت خسارات، به شرح مذکور در فوق، محاسبه شود.

هزینه ها

گرانیت استیت، مبلغ ۵۸,۷۸۰/۹۳ دلار بابت هزینه های نمایندگی و مساعدت حقوقی مطالبه می نماید. این مبلغ شامل هزینه هایی که خواهان پیش از تنظیم دادخواست، جهت مطالبه ادعای خود متحمل شده نمی شود، و بنابراین تحت عنوان "هزینه های داوری" قابل مطالبه نمی باشد (رجوع به ماده ۳۸ مقررات دیوان).

تصمیم دیوان داوری به موجب مواد ۳۸ (۱) (ج) و ۴۰ (۲) مقررات دیوان اینست که هزینه های نمایندگی حقوقی باید بنحوی تقسیم شود که مبلغ ۲۵,۰۰۰ دلار آن توسط خواندگان بابت هزینه های خواهان پرداخت گردد.

بخش پنجم - حکم نهائی

دیوان داوری حکم نهائی زیر را به نفع خواهان، گرانیت استیت ماشین کامپنی، اینکورپوریتد، صادر می نماید:

- ۱ - بهره مبلغ نود و دو هزار و یکصد و چهار دلار و سی و شش سنت آمریکا (۹۲,۱۰۴/۳۶ دلار آمریکا) به نرخ دوازده (۱۲) درصد در سال، از تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۹ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) لغایت ۲۹ اکتبر ۱۹۸۲ (۸ آذر ماه ۱۳۶۱)، عهده بانک صادر می باشد.

۲ - بهره مبلغ دو بیست و هفتاد و هشتاد و پنج هزار و هشتصد و شصت و پنج دلار و پنجاه سنت آمریکا
(۲۷۶,۸۶۵/۵۰ دلار آمریکا) به نرخ دوازده (۱۲) درصد در سال از تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۰
(۲۲ فروردین ماه ۱۳۵۹) لغایت ۴ اوت ۱۹۸۱ (۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۰) عهده بانک
مادرات می باشد.

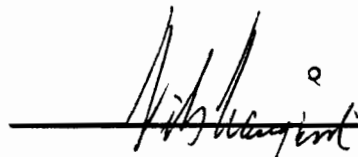
۳ - بهره مبلغ دو بیست و هفتاد و هشتاد و پنج هزار و هشتصد و شصت و پنج دلار و پنجاه سنت آمریکا
(۲۷۶,۸۶۵/۵۰ دلار آمریکا) به نرخ دوازده (۱۲) درصد در سال از تاریخ ۵ اوت ۱۹۸۱
(۱۴ مرداد ماه ۱۳۶۰) لغایت ۲۹ اکتبر ۱۹۸۲ (۸ آذر ماه ۱۳۶۱)، عهده بانک
مرکزی می باشد.

۴ - هزینه های داوری به مبلغ بیست و پنج هزار دلار (۲۵,۰۰۰ دلار آمریکا) متضمناً
عهده بانک مادرات و بانک مرکزی می باشد.

پرداخت این مبالغ به محض ابلاغ توسط ریاست این دیوان، از محل حساب تأمینیه مفتوحه
بر طبق بند ۷ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱
(۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) صورت خواهد گرفت.

بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزاران امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می گردد.

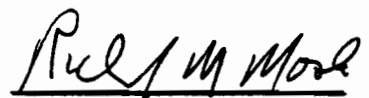
لاسه، بتاريخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۲ برابر با ۲۳ آذر ماه ۱۳۶۱



نیلس منگارد

رئیس شعبه سوم

به نام خدا



ریچارد ام. ماسک

مصطفی جهانگیر ثانی

آقای جهانگیرثانی با اطلاع قبلی از تاریخ امضای حکم در دیوان دآوری، از حضور در هنگام
امضا خودداری نموده و دسترسی به ایشان نیز میسر نبود.

Richard M. Mosk

ریچارد ام. ماسک

Nils Kung'ard

نیلس منگارد